



نقطه کاری تعریف شده است؟

من هیچ قله و گل‌زنی را در هیچ زمینه‌ای از زندگی‌ام در نظر نمی‌گیرم. چیزی که زندگی به من یاد داده این است که در طول مسیر لذت ببرم و یاد بگیرم. چون ممکن است هیچ‌وقت به آن قله نرسم یا زمان به من این اجازه را ندهد.

مثلا به این فکر نمی‌کنید که اگر این نقش را بازی کنم دیگر نمی‌خواهم کاری کنم؟

من به بازیگری این‌طور نگاه نمی‌کنم. البته نمی‌توانم بگویم هیچ نقشی نبوده که نخواهم آن را بازی کنم ولی اصلا در بازیگری این مدلی نبودم که دوست دارم به آن نقطه برسم و... مسیر را ترجیح می‌دهم یعنی لذت بردن در طول مسیر را ترجیح می‌دهم.

از آن جایی که اهل تجربه کردن هستید استعداد دیگری در حوزه هنر هست که بخواهید تجربه کنید؟

فکر نکنم، نه! قول می‌دهم در هیچ حوزه هنری دیگری وارد نشوم. (می‌خندد)

این که می‌گویید قله‌ای ندارید احتمالا باعث می‌شود که حسادت در شما وجود نداشته باشد؛ ویژگی‌ای که امکان بروزش در هنر خیلی وجود دارد؛ تا به حال به کسی حسادت نکرده‌اید؟

اگر کسی بگوید من در زندگی‌ام به کسی حسادت نکرده‌ام شاید ادعای بزرگ یا دروغی باشد ولی وقتی به زندگی به این شکل نگاه شود که نقطه پایان و قله تعریف نشود خیلی راحت‌تر می‌شود با پدیده‌ها و بی‌مهری‌ها کنار آمد.

من از شما تاثیر دیده‌ام و فکر می‌کنم بداهه‌بازی شما خیلی خوب است

ExpertSoft Trial Version

توسط کارگردان به آن اشاره کردید در زمینه بداهه هم وجود داشت؟

بستگی به نوع کارگردان دارد که دست بازیگر را باز می‌گذارد تا ببیند بازیگر چه کار می‌کند. اگر دستم را باز بگذارند می‌توانم بداهه‌هایی برایشان داشته باشم اما اگر نخواهند، مطیع فیلمنامه و چیزی که از من می‌خواهند هستیم.



من هیچ قله و گل‌زنی را در هیچ زمینه‌ای از زندگی‌ام در نظر نمی‌گیرم. چیزی که زندگی به من یاد داده این است که در طول مسیر لذت ببرم و یاد بگیرم. چون ممکن است هیچ‌وقت به آن قله نرسم یا زمان به من این اجازه را ندهد

حس و حال خودتان در بازی بیشتر به کدام سمت است؟ مثلا اگر دو پیشنهاد باشد که یکی ملودرام و یکی کمدی فاخر باشد به کدام سمت تمایل دارید؟

اصلا نمی‌توانم این را به یقین بگویم، قطعاً به گروه کارگردانی، گروه بازیگران و فیلمنامه ربط دارد. اگر هر کدام طوری باشند که برای من خیلی مورد رضایت هستند آن‌ها را انتخاب می‌کنم.

مهمکام و کاهانی به خاطر دوستی نگاه‌هایشان شبیه به هم است. برخی می‌گویند فیلم «بی‌حسی موضعی» شبیه «اسب حیوان نجیبی است» است؛ خودتان این تشابه را قبول دارید؟

تاحدودی قبول دارم که شبیه هستند. «بی‌حسی موضعی» شاید پیام یا حرفش از «اسب حیوان نجیبی است» متفاوت باشد و این قضاوت را هم به عهده مخاطب می‌گذارم.

در نقشه ذهنی شما قله در کجا و کدام

وارد می‌کند.

می‌تواند تاثیرات خودش را بگذارد. موضوع این است که پس از مدتی این فیلم به صورت نمایش خانگی بیرون خواهد آمد و آن‌جا دیگر شرط سنی وجود ندارد. امکان دارد روی فروش ویژه تاثیر بگذارد اما آن مخاطبی که برای دیدن این فیلم مشتاق باشد کار خودش را می‌کند و این فیلم را می‌بیند. بار اولی که خبری خواندم مبنی بر این که فیلم ما در رده سنی +۱۵ قرار گرفته است، یک بار دیگر فیلم را از اول تا آخر مرور کردم که آیا چیزی وجود دارد که شخصی که سنش کمتر از ۱۵ سال است نباید ببیند و بفهمد؟ دیدم که چیز خاصی در فیلم وجود نداشت که بخواهند برایش این موضوع را تبیین کنند.

در فیلم «بی‌حسی موضعی» با کسانی بازی کرده‌اید که کارنامه خوبی دارند و چهره‌های شناخته شده‌ای هستند؛ این همکاری چقدر برای شما سخت بود و پذیرفتنش ریسک بود و چقدر از این همکاری یاد گرفتید؟

«بی‌حسی موضعی» اولین تجربه فیلم بلند من بود. حبیب رضایی نازنین این لطف را به من داشتند و مرا به گروه کارگردانی معرفی کردند، چیدمان را به من گفتند که هنرمندانی مثل پارسا پیروزفر، باران کوثری و حسن معجونی در آن حضور دارند و من در اولین تجربه کاری قرار است کنار این عزیزان باشم برای من با ترس همراه بود. البته کارگردان فیلم حسین مهمکام عزیز به قدری به کار خود وارد است که توانست همه چیز را کنترل کند حتی مرا! (می‌خندد) یقیناً و قطعاً این دو ماه همکاری برای من درس بود.